

# جاناتان کوک:

اثر انگشت استارمر – و نه تنها محافظه‌کاران – بر سراسر شورش‌های نژادی بریتانیا قابل رویت است.

در بریتانیا، اسلام‌هراسی به قدری دوحزبی و عادی شده است که خبرنگاران بی.بی.سی. از خواستاران قتل‌عام مسلمانان به عنوان «معترضین طرفدار بریتانیا» یاد می‌کنند.

۱۳ آگوست ۲۰۲۴، برابر با ۲۳ مردادماه ۱۴۰۳

<https://jonathancook.substack.com/p/starmers-fingerprints-not-just-the>

برگردان به فارسی از نادر ثانی



اگر می‌توانید چنین صحنه‌ای را تصور کنید:

- چندین روز است که اوباشی وحشی در مراکز شهرهای بریتانیا تجمع کرده و با پلیس درگیر شده‌اند تا به کنیسه‌ها برسند تا به آنها حمله کنند.

- اوباش که خود را با پرچم‌های انگلستان و علائم اتحادیه پوشش داده و با چوب‌های کریکت و میله‌های فلزی مسلح شده‌اند، آجرهای دیوارهای باغی را کنده و آجرها را به همراه دارند.
- گروه‌های اوباش به خانه‌هایی که یهودیان در آن زندگی می‌کنند، حمله کرده و برای شکستن درهای آنها در تلاش هستند.
- اوباش دیگری به هتلی که محل اقامت پناهجویان یهودی می‌باشد حمله کرده و آن را به آتش کشیده‌اند، اقدامی که می‌توانست ساکنان آن را زنده‌زنده بسوزاند.
- در خلال روزهایی متمادی، رسانه‌ها و سیاستمداران عمدتاً از این وقایع به عنوان "وحشی‌گری" راست افراطی یاد می‌کنند و از لزوم بازگرداندن نظم و قانون صحبت می‌کنند.
- درست در این روزها، یک جوان یهودی که نماینده مجلس نیز هست به یک برنامه تلویزیونی بزرگ صبحگاهی دعوت می‌شود تا در مورد وقایعی که در حال وقوع هستند صحبت کند. هنگامی که او استدلال می‌کند که این حملات باید به وضوح به عنوان نژادپرستانه و یهودی‌ستیزانه شناسایی شوند، یکی از مجریان برنامه به او حمله کرده و او را مسخره می‌کند.
- در نزدیکی، دو مرد سفیدپوست نشسته‌اند. یکی از آنها وزیر سابق کابینه و دیگری مدیر اجرایی یکی از بزرگترین روزنامه‌های بریتانیا است. آنها آشکارا به او می‌خندند.
- به تخیل خود ادامه دهیم: مجری تلویزیون که نماینده جوان مجلس را مسخره می‌کند، شوهر وزیر کشور بریتانیا که مسئول پلیس جهت کنترل این حوادث است، می‌باشد.

این سناریو آنقدر وحشتناک است که هیچ کس نمی‌تواند آن را حتی تصور کند. اما این دقیقاً همان چیزی است که هفته گذشته رخ داد - با این تفاوت که اوباش یهودیان را هدف حملات خود قرار ندادند، بلکه مسلمانان هدف حملات آنان بودند. نماینده جوان یهودی نبود، بلکه او "زاره سلطانا"، برجسته‌ترین نماینده مسلمان در پارلمان بریتانیا بود. خواست او این نبود که خشونت جاری به عنوان یهودستیزی شناخته شود، بلکه از آن به عنوان اسلام‌هراسی یاد می‌کرد.

من حدس می‌زنم که اکنون همه چیز محتمل‌تر به نظر می‌رسد. به بریتانیایی خوش آمدید که با افتخار برتن اسلام‌هراسی خود لباسی دیگر می‌کند و چنین کاری را نه تنها در خیابان‌های بولتون، بریستول یا بیرمنگام، بلکه در یک استودیوی تلویزیونی در لندن به انجام می‌رساند.

## "اعتراضات طرفداران انگلستان"

اسلام‌هراسی در بریتانیای امروزی آنقدر دوحزبی است که خبرنگاران بی.بی.سی. حداقل در دو نوبت از اوباشی که در خیابانها شعارهای ضدمسلمانان و ضدمهاجران سر می‌دهند با عنوان "معترضین طرفدار انگلستان" یاد کرده‌اند.

تمرکز اصلی اخبار شبانه، نژادپرستی ضدمسلمانان که موتور اصلی حرکت اوباش است، یا شباهت این شورش‌ها به تهاجمات به محله‌های یهودیان، پوگروم‌ها، نبوده است. در عوض رسانه‌ها تهدیدهای فیزیکی که پلیس در مقابل آن قرار می‌گیرد، ظهور راست افراطی، خشونت و بی‌نظمی و نیاز به پاسخ قاطعانه پلیس و دادگاه را برجسته کرده‌اند.

محرک شورش‌ها اطلاعاتی کاملاً نادرست بود: اینکه سه دختر کوچک با ضربات چاقو در ساوتپورت در ۲۹ ژوئیه توسط یک پناهجوی مسلمان کشته شده‌اند. در واقع، قاتل مظنون در کاردیف، در بریتانیا، از پدر و مادری رواندایی به دنیا آمده و مسلمان نیست.

اما سیاستمداران و رسانه‌ها هر کدام به شکل خاص خود به شکل‌گیری اطلاعات نادرست کمک کرده‌اند. پوشش رسانه‌ای عمدتاً به برنامه‌های نژادپرستانه آشوبگران کمک کرده و به آنها پژواک داده است. آنها جوامع مسلمان موجود در بریتانیا از سالها پیش را با نگرانی‌های عمومی در مورد مهاجرت "غیرقانونی" در هم آمیخته‌اند. گزارش‌های آنها همان‌طور که قبلاً "تروریست" و "مسلمان" را هم سان جلوه میدادند، حال "مهاجر" و "مسلمان" را به یک معنی تبدیل کرده است. دلیل این امر تقریباً یکسان است. با انجام این کار، سیاستمداران و رسانه‌ها بار دیگر توپ بازی را به دستان اوباش راست افراطی که ظاهراً آنها را محکوم می‌کنند، داده‌اند.

یا اگر جریان را به شکلی دیگری ببینیم: او باش توپ بازی را به دست رسانه‌ها و سیاستمدارانی داده‌اند که ادعا می‌کنند خواهان برقراری آرامش هستند و در عین حال به ایجاد تنش ادامه می‌دهند.

به جوانان مسلمانی که برای دفاع از خانه‌های خود، در حالی که پلیس برای مقابله با این یورش تلاش می‌کرد، آماده شده بودند برچسب "ضد معترضان" زده شد. انگار که ماجرا صرفاً یک درگیری بین دو گروه با نارضایتی‌های متناقض بود که پلیس - و دولت بریتانیا - به شکلی بیطرفانه در وسط قرار گرفته بودند.

یک بار دیگر توجه کنید: آیا می‌توانیم تصور کنیم که جنایتکارانی پر از نفرت و خشم که در راه سوزاندن زندهنزده یهودیان تلاش می‌کنند، به عنوان "معارض" توصیف شوند، چه رسد به "طرفدار انگلستان؟"

هیچکدام از اینها خلق‌الساعه نیستند. سال‌هاست که روحیه ضدمسلمانان کنونی توسط هر دو جناح سیاسی در بریتانیا تبلیغ می‌شود.

قدرتمندان بریتانیا تمامی انگیزه‌ها را دارند که خشم عمومی بر سر مسائل اقتصادی - مانند کمبود شغل و مسکن، فروپاشی خدمات و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی - را بر روی بزهای قربانی مانند مهاجران، پناهجویان و مسلمانان هدایت کند.

اگر آنها این کار را نمی‌کردند، تشخیص اینکه چه کسانی مقصران واقعی هستند برای مردم بسیار آسان‌تر بود - آنها تشکیل‌دهنده نهادی هستند که سیاست دادن ریاضتی بی‌پایان به توده‌ها و در عین حال به غارت بردن ثروت‌های مشترک را به پیش می‌برد.

## "رابطه‌ای مملو از توهین"

دعوی بر علیه حق به راحتی ساخته می‌شود. سعیده وارثی، عضو حزب محافظه‌کار و وزیر سابق کابینه، بیش از یک دهه است که هشدار می‌دهد که حزب او مملو از متعصبان متنفر از مسلمانان - هم در میان اعضای معمولی و هم در میان مقامات ارشد حزب - است. او در سال ۲۰۱۹ اعلام کرد:

"در حال حاضر احساس می‌کنم در رابطه‌ای توهین‌آمیز قرار دارم. برای من دیگر درست نیست که در کنار حزب محافظه‌کار باشم".

چندی پیش یک نظرسنجی عمومی نشان داد که بیش از نیمی از اعضای حزب محافظه‌کار معتقدند اسلام تهدیدی برای آنچه "شیوه زندگی بریتانیایی" نامیده می‌شود، می‌باشد. این رقم بسیار بالاتر از نظر موجود در عموم مردم است. چنین نژادپرستی از بالا تا پایین در این حزب گسترش یافته است.

بوریس جانسون که رمان "هفتاد و دو باکره" او زنان مسلمان محجبه را با صندوق‌های نامه مقایسه می‌کند، در انتخابات نخست‌وزیری‌اش مورد تایید چهره‌های راست افراطی مانند تامی رابینسون قرار گرفت که موج کنونی شورش‌ها را از مخفیگاه خود در قبرس دامن می‌زنند.

سعیده وارثی به ویژه از مایکل گوو، یکی از بازیگران کلیدی در دولت‌های متوالی محافظه‌کار انتقاد کرد. او گفت:  
"من فکر می‌کنم دیدگاه مایکل این است که چیزی به نام مسلمان غیرمشکل‌زا وجود ندارد".

این ممکن است توضیح دهد که چرا حزب محافظه‌کار مکرراً از پرداختن به اسلام‌هراسی ثابت شده و شایع در میان صفوف خود امتناع کرده است. برای مثال، مقامات این حزب بی‌سر و صدا پانزده عضو شورای حزب را که به دلیل اظهارنظرهای افراطی اسلام‌هراسانه از مقام خود تعلیق شده بودند، پس از فروکش کردن خشم دو باره به کار بازگرداندند.

حتی زمانی که رهبری حزب در نهایت خود را ناچار به موافقت با یک تحقیق مستقل در مورد تعصبات ضدمسلمانان دید، این تحقیق مشخص به سرعت از بین رفت و به یک "تحقیق عمومی در مورد تعصبات از همه نوع" تبدیل شد.

## سیلی در بریتانیا جاری‌ست.

در ماه فوریه ۲۰۲۴، اندکی پس از کناره‌گیری لی اندرسون از سمت معاونت دبیرکلی حزب محافظه‌کار، او اعلام کرد که "اسلام‌گرایان" صادق خان، شهردار

لندن را تحت "کنترل" خود دارند. اندرسون افزود، شهردار، "پایتخت ما را به رفقاییش داده است".

عضویت او در گروه پارلمانی محافظه‌کاران به دلیل امتناع از عذرخواهی در مورد گفته‌اش تعلیق شد. اما حتی در آن زمان، رهبران حزب محافظه‌کار، از جمله نخست وزیر وقت، ریشی سوناک، و معاون او، الیور داودن، از برچسب زدن اظهارات اندرسون به عنوان نژادپرستانه یا اسلام‌هراسانه امتناع کردند. داودن تنها گفت که اندرسون از "کلمات اشتباه" استفاده کرده است.

سوناک لفاظی‌های تحریک‌آمیز و پر از نفرت اندرسون را به‌کلی نادیده گرفت و در عوض خشم عمومی را به سمت راهپیمایی‌ها علیه کشتار فلسطینی‌ها توسط اسرائیل در غزه - یا آنچه او به عنوان یک "انفجار در تعصب و یهودستیزی" توصیف کرد - سوق داد.

مدت کوتاهی پس از این اندرسون به زودی به حزب ضدمهاجر و خشونت‌گرای نایجل فراژ پیوست.

سولا براورمن، وزیر کشور سابق، به همین ترتیب اعلام کرد: "حقیقت این است که اسلام‌گرایان، افراطی‌ها و یهودی‌ستیزان اکنون در راس امور هستند".

رسانه‌های راست‌گرا، از جی‌بی‌نیوز تا دیلی میل، مرتباً چنین احساساتی را تکرار می‌کنند و مهاجران را - که همیشه به طور ضمنی مسلمان هستند - به عنوان "انبوهی" معرفی می‌کنند که چون سیلی مرزهای بریتانیا را درنوردیده و مشاغل و مسکن را از بین می‌برند.

حتی نهادی که مسئول شناسایی و حمایت از اقلیت‌های قومی است، در مورد شناسایی اسلام‌هراسی استثنائی بسیار آشکاری به وجود آورده است.

"کمیسیون برابری و حقوق بشر" بسیار مشتاق تحقیق درباره مناسبات درون حزب کارگر در مورد آنچه که معلوم شد تا حد زیادی ادعاهای بدون پایه‌ای در مورد یهودی‌ستیزی علیه اعضای آن بوده، بود.

اما همان نهاد به‌رغم دریافت پرونده‌ای از "شورای مسلمانان بریتانیا" که حاوی اتهاماتی مستند در رابطه با اسلام‌هراسی از طرف ۳۰۰ شخصیت در حزب محافظه‌کار است، قاطعانه از انجام تحقیقات مشابه در این مورد در این حزب خودداری کرده است.

## قایق‌ها را متوقف کنید

نخست وزیر حزب کارگر، کیر استارمر، اکنون با تشکیل یک "ارتش ثابت" از جوخه‌های پلیس ضدشورش و فشار برای صدور احکام سریع و سخت، سرکوب خشونت‌آمیز راست افراطی را رهبری می‌کند.

حامیان او موفقیت او را در اولین آزمون مهم او به عنوان نخست‌وزیر در هفته گذشته، زمانی که شورش‌های مورد انتظار چهارشنبه گذشته محقق نشد، جار زده‌اند.

اما از زمانی که استارمر چهار سال پیش رهبر حزب کارگر شد، نقش مستقیمی در دامن زدن به آب و هوای ضد مسلمانان نیز ایفا کرد، جوی که راست افراطی را تشویق کرد به خیابان‌ها کشیده شوند.

استارمر در جریان مبارزات انتخاباتی خود برای رسیدن به مقام نخست‌وزیری، تصمیم آگاهانه‌ای گرفت که در حرکت سیاسی خود در زمینه‌هایی، از "مهاجرت غیرقانونی" تا میهن‌پرستی و قانون و نظم، با نمایندگان محافظه‌کاران رقابت کند.

این شیوه حرکت سیاسی توسط گردانندگان سیاست خارجی حزب کارگر جدید ۲۰ سال پیش شکل گرفت و پیامدهای داخلی گسترده‌ای داشت و به مسلمانان بریتانیایی به عنوان غیرانگلیسی، بی‌وفا و مستعد تروریسم انگ زد.

در همکاری وسیع خود با ایالات متحده، دولت کارگر تونی بلر در سال ۲۰۰۳ جنگی وحشیانه و غیرقانونی را علیه عراق به راه انداخت که در آن بیش از یک میلیون عراقی کشته شده و میلیون‌ها بی‌خانمان بر جای گذاشته شدند. تعداد بیشتری نیز برای شکنجه به مکان‌هایی نامشخص کشانده شدند.

همراه با اشغال خسونت‌آمیز و طولانی‌مدت افغانستان توسط ایالات متحده آمریکا و بریتانیا، تهاجم به عراق باعث پیدایش هرج و مرج منطقه‌ای شده و اشکال جدید ستیزه‌جوی اسلام‌گرا، به ویژه در قالب گروه داعش را پدید آورد.

جنگ صلیبی وحشیانه تونی بلر در خاورمیانه - که اغلب توسط او به عنوان "برخورد تمدن‌ها" توصیف می‌شد - مسلماً بسیاری از مسلمانان بریتانیا را از خود بیگانه کرده و تعداد کمی از آنها را به سمت رادیکالیزه شدن جهت می‌دهد.

در پاسخ، حزب کارگر به اصطلاح استراتژی "پیشگیری" را معرفی کرد که به طرز بدبینانه‌ای بر تهدیدی از جانب مسلمانان متمرکز بود و یک بدبینی کاملاً قابل‌توضیح در مورد سیاست خارجی بریتانیا را با یک گرایش ظاهراً غیرقابل توضیح و ذاتاً خسونت‌آمیز در اسلام در هم آمیخت.

استارمر رهبری خود را از بلر ال‌گوبرداری کرد و بسیاری از مشاوران مشابه را به خدمت گرفت.

در نتیجه، او به زودی در تلاش برای به دست آوردن رای موسوم به دیوار قرمز کاملاً مجذوب سیاست محافظه‌کاران شد. از دست دادن مناطق شهری شمال انگلیس در انتخابات عمومی ۲۰۱۹ به حزب محافظه‌کار تا حد زیادی به دلیل موضع توهم‌زا حزب کارگر در مورد حرکت برای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) بود که استارمر مسئول اصلی آن بود.

استارمر قاطعانه در مورد مهاجرت به سمت راست حرکت می‌کرد و در این راه سیاست حزب محافظه‌کار که در تلاش برای جلوگیری از شورش انتخاباتی حزب اصلاحات فاراژ، حتی بیشتر به راست منحرف شده بود را دنبال می‌کرد.



استارمر به عنوان رهبر اپوزیسیون، سخنان محافظه‌کاران را زمانیکه آنان مدام از "توقف قایق‌های کوچک" و "درهم شکستن باندهای قاچاق" می‌گفتند، را تکرار می‌کرد. آنچه که در لابلای سخنان می‌شد دید این بود که مهاجران و پناهجویانی که از مشکلاتی که بریتانیا در خاورمیانه به وجود آورده بود می‌گریختند، تهدیدی برای "شیوه زندگی" بریتانیایی بودند. این برداشت تازه‌ای از گفتمان "برخورد تمدن‌ها" بود که بلر از آن دفاع می‌کرد.

چند روز قبل از رای‌گیری در انتخابات عمومی ماه گذشته، استارمر یک مورد فراتر رفت و گفته‌ای نژادپرستانه را که معمولاً با محافظه‌کاران مرتبط است، تبلیغ کرد.

رهبر حزب کارگر، جامعه بنگلادشی بریتانیا را به عنوان جامعه‌ای که او با آن در اجرای اخراج‌ها قاطعانه‌تر عمل خواهد کرد، نام برد. او در نشریه‌ای که از جانب روزنامه "سان" به چاپ رسید گفت: "در حال حاضر حکم اخراج افرادی که از کشورهایمانند بنگلادش می‌آیند به اجرا در نمی‌آید".

## جنگ با جناح چپ

اما دلیل دیگری، حتی بدبینانه‌تر، وجود داشت که چرا استارمر سیاست‌های نژادی و فرقه‌ای را در مرکز مبارزات انتخاباتی خود قرار داد. او نه تنها به دنبال به دست آوردن آرای محافظه‌کاران بود، بلکه می‌خواست جناح چپ حزب کارگر و برنامه سیاسی آن را نیز در هم بکوبد.

در خلال دهه‌ها، جرمی کوربین، سلف استارمر، به خاطر سیاست‌های ضدنژادپرستانه و حمایتش از مبارزات ضداستعماری مانند مبارزات فلسطینی‌ها توسط چپ کارگر مورد تحسین قرار گرفته – و توسط راست کارگر مورد تحقیر قرار گرفته بود.

کوربین به خاطر مشکلاتی که داشت به هر شکل ممکن توسط تشکیلات سیاسی و رسانه‌ای بریتانیا مورد هجوم قرار گرفت. اما اتهام یهودی‌ستیزی – و آمیختگی آن با هر چیزی فراتر از ملایم‌ترین انتقاد از اسرائیل – بود که نشانگر کاری‌ترین حمله شد.

همان کمیسیون برابری که قاطعانه از تحقیق و تفحص از محافظه‌کاران در مورد اسلام‌هراسی امتناع کرد، عجله کرد تا افشاگری‌های حزب کارگر کوربین را به‌عنوان یهودی‌ستیزانه سازمان‌داده‌شده تقویت کند. در این مورد این نهاد برای به دست آوردن و ارائه هر مدرکی تلاش می‌کرد.

در مورد استارمر که به هر جانب که مناسب باشد می‌چرخد، تشخیص داشتن اعتقادات سیاسی دشوار است. اما واضح است که او قرار نبود با سرنوشت کوربین روبرو شود. چپ‌گرایان حزب، از جمله کوربین، و همچنین هر چیزی که از دستور کار چپ استفاده می‌کرد به سرعت پاکسازی شدند.

استارمر تبدیل به یک مبلغ خشمگین ناتو و جنگ‌های آن شده و به طرفداری از اسرائیل - حتی پس از ۷ اکتبر، زمانی که اسرائیل راه رسیدن غذا و آب را بر ۲.۳ میلیون نفر از مردم غزه بست (چیزی که عالی‌ترین دادگاه جهان به زودی آن را "احتمالاً" نسل‌کشی خواهد خواند) برخاست.

در آن زمان بود که جنگ استارمر با جناح چپ حزب و سیاستهای آن به پیشرفت مطلوب رسیده بود.

## **"تهدید"ی که خاموش شد**

ماهیت حمله جناحی در آوریل ۲۰۲۰، مدت کوتاهی پس از اینکه استارمر کنترل حزب کارگر را به دست گرفت و زمانی که یک گزارش شرم‌آور داخلی به بیرون درز کرد، کاملاً مشخص شده بود.

از جمله مشخص شد که چگونه، در دوران رهبری کوربین، جناح راست حزب کارگر با هدف آسیب رساندن به او و حامیانش از یهودستیزی به عنوان سلاح انتخابی بر علیه او استفاده کرده‌اند.

از آنجایی که هنوز استارمر رهبری خود را مستحکم نمی‌دید، و تلاش می‌کرد که جلوی شورش داخلی بر سر افشاگری‌ها را بگیرد، "مارتین فورد کی‌سی" را منصوب کرد تا بررسی مستقلی درباره افشاگری انجام دهد.

پس از تأخیرهای طولانی که عمدتاً ناشی از موانعی بود که مقامات حزبی ایجاد کرده بودند، فوراً یافته‌های خود را در تابستان ۲۰۲۲ منتشر کرد. او آنچه را "سلسله مراتبی از نژادپرستی" می‌نامید، شناسایی کرد که در آن راست‌های حزب کارگر از یهودستیزی علیه چپ‌ها و از جمله اعضای سیاه پوست و آسیایی آن، استفاده کرده بودند.

شاید تعجب‌آور نباشد که اعضای حزب کارگر که به اقلیت‌های قومی تمایل دارند در زمینه‌های سیاسی، به ویژه در مخالفت شدید آنها با نژادپرستی و ستم استعماری چندین دهه بر فلسطینیان، اشتراک بیشتری با کوربین و چپ‌های حزب کارگر دارند این امر از سوی جناح راست کارگر و استارمر به عنوان یک تهدید تلقی می‌شد - تهدیدی که آنها مصمم بودند آن را خفه کنند.

مستندی از رسانه الجزیره که در سپتامبر ۲۰۲۲ پخش شد، با تکیه بر اسنادی بیشتر از آنچه فوراً موفق به دستیابی به آنها شده بود، اسلام‌هراسی بین مقامات استارمر و جناح راست حزب کارگر را به نمایش گذاشت. در این مستند یکی از قربانیان پاکسازی‌های جناح چپ توسط استارمر، رویدادهای سال‌های اخیر در درون حزب کارگر را به عنوان "توطئه جنایتکارانه علیه اعضای آن" توصیف کرد. تحقیقات رسانه الجزیره نشان داد که اعضای مسلمان حزب، از جمله اعضای شورای محلی آن، به شدت در تیررس جناح راست کارگر بوده‌اند.

مشخص شد که مقامات حزب در پنهان کردن حرکات غیرقانونی، نظارت مخفیانه اعضای حزب و جمع‌آوری اطلاعات درباره اعضای مسلمان حزب تبانی کرده‌اند تا مقدمه‌ای برای تعلیق کل حوزه انتخاباتی نیوهام لندن باشد. دلیل آن بوده که نگرانی‌هایی وجود داشت که جامعه محلی آسیایی حزب در این حوزه قدرت بگیرند.

کارکنان اقلیت‌های قومی در دفتر مرکزی حزب کارگری که در مورد این اقدامات تبعیض‌آمیز شکایت داشتند، از مشاغل خود اخراج شدند.

## پاکسازی ها

حزب کارگر به پاکسازی های مشهود خود تا انتخابات عمومی جولای ادامه داد و نامزدهای چپگرا، سیاهپوست و مسلمان را در آخرین لحظه پایین کشیده و حذف کرد، بنابراین زمانی برای به چالش کشیدن این تصمیم وجود نخواهد داشت.

بالاترین قربانی "فایزه شاهین"، اقتصاددانی بود که قبلاً به عنوان کاندیدای پارلمانی برای "چینگفورد" و "وودفورد گرین" انتخاب شده بود که به طور علنی و بدون تشریفات کنار گذاشته شد. استارمر در پاسخ به پرسشی درباره این تصمیم گفت که او فقط "نامزدهای با کیفیت بالا" را می خواهد.

کمپین مشابهی برای تحقیر و تضعیف "دایان ابوت"، اولین زن سیاهپوست نماینده مجلس و متحد کوربین، هفته ها به طول انجامید تا اینکه با عدم تمایل حزب به نفع او حل و فصل شد.

بار دیگر تلقین به سختی پوشیده این بود که نمی توان به نامزدهای مسلمان و سیاهپوست اعتماد کرد و به آنها مشکوک بود.

قابل توجه است که بعداً مشخص شد که مقامات استارمر پس از صحبت با الجزیره در مورد نژادپرستی در حزب، نامه قانونی تهدیدآمیز را برای فورد ارسال کرده اند. فورد به این نتیجه رسید که این یک تلاش پنهانی برای "ساکت" کردن او می باشد.

اندکی پس از به دست آوردن اکثریت قاطع پارلمانی در یکی از کمترین آرای حزب کارگر، استارمر عملاً تعدادی از نمایندگان چپگرا را از حزب پارلمانی معلق کرد - همانطور که قبلاً با کوربین انجام داده بود. جرم آنها رای دادن به پایان دادن به فقر کودکان بود.

قابل مشاهده ترین زاره سلطانا، نماینده مسلمان جوانی بود که در صبح بخیر بریتانیا به دلیل استدلال مبنی بر اینکه شورش ها باید به عنوان اسلام هراسی شناخته شوند، سنگر گرفته و مورد تمسخر قرار گرفته بود.

## در هم ریختگی خطرناک

اگرچه به طور گسترده ای درک شده است که استارمر مصمم به سرکوب چپ کارگر بود، پیامدهای اجتناب ناپذیر آن سیاست - به ویژه در رابطه با بخش بزرگی از جمعیت مسلمان بریتانیا - به مراتب کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

یکی از راه‌هایی که استارمر از کوربین و چپ‌ها فاصله گرفت، تکرار اسرائیل و راست‌های بریتانیا در بازتعریف ضد صهیونیسم به عنوان یهودستیزی بود. یعنی او کسانی را که همان دیدگاه قضات دادگاه جهانی را دارند که اسرائیل یک دولت آپارتایدی است و بر اساس قومیت فلسطینیان حقوق نازلتری قائل شده است، لکه دار کرده است.

او همچنین کسانی را که معتقدند کشتار اسرائیل در غزه نقطه پایانی منطقی برای یک دولت نژادپرست آپارتایدی است که تمایلی به صلح با فلسطینی ها ندارد، سرزنش کرده است.

دو گروه به طور خاص، تمام قدرت این ترکیب مخالفت با جنایات اسرائیل علیه فلسطینیان - یعنی ضد صهیونیسم - و یهودستیزی را احساس کرده اند.

یکی یهودیان چپ کارگری هستند. حزب سخت کوشیده است که وجود آنها را از دید عموم پنهان کند، زیرا آنها نیز آشکارا روایت یهودی ستیزی آن را مختل می کنند. به تناسب، بزرگترین گروه اخراج شده و تعلیق شده از حزب کارگر، یهودیان منتقد اسرائیل بوده اند.

اما برعکس، و حتی خطرناکتر، استارمر به‌طور مشهودی در مورد مسلمانان، با توجه به اینکه آنها پُرسروصداترین و متحدترین جامعه در مخالفت با نسل‌کشی "معقول" اسرائیل در غزه هستند، به شکلی یهودی‌ستیزانه عمل کرده است.

محکوم کردن ضدصهیونیست‌ها توسط استارمر به‌عنوان یهودی‌ستیزی - چه عمداً یا نه - به آسانی کاریکاتور سمی را تقویت کرده است که محافظه‌کاران اسلام را به‌عنوان دین ذاتاً نفرت‌انگیز و خشونت‌آمیز تبلیغ می‌کنند.

جنگ نسل‌کشی اسرائیل علیه غزه در ۱۰ ماه گذشته - و واکنش‌های شدید میلیون‌ها بریتانیایی به این کشتار - مشکل استارمر را به شدت افزایش داده است.

رهبر حزب کارگر ممکن است از لفاظی‌های آتش‌زای "براورمن" که اعتراضات توده‌ای و مسالمت‌آمیز علیه کشتار را به عنوان "راهپیمایی‌های نفرت" محکوم کرد، اجتناب کرده باشد، اما به طرز ماهرانه‌ای او بر افروختن چنین احساساتی را تکرار کرده است.

او در رد ضدنژادپرستی و ضداستعماری چپ، باید منافع یک دولت خارجی نسل‌کش، اسرائیل، را بر نگرانی‌های منتقدان اسرائیل اولویت می‌داد و برای اینکه موضع خود را کمتر تحقیرآمیز جلوه دهد، مانند محافظه‌کاران تمایل داشت ترکیب نژادی متنوع مخالفان کشتار را نادیده بگیرد.

## تست وفاداری

هدف تلاش استارمر برای بی‌اعتبار کردن راهپیمایی‌ها با پنهان کردن این حقیقت بوده که آنها از حمایت چندنژادی برخوردار بوده، اینکه آنها صلح‌آمیز بوده، بسیاری از یهودیان در آنها نقش برجسته‌ای داشته و پیام آنها علیه نسل‌کشی و آپارتاید و به نفع آتش‌بس بوده است.

در عوض، رویکرد استارمر القاء می‌کند که تندروهای مسلمان بریتانیایی ماهیت اعتراضات را از طریق شعارها و رفتارهایی شکل می‌دهند که احتمالاً یهودیان را ترسانده است.

رهبر حزب کارگر ادعا کرده که "راهپیمایی نفرت را در کنار فراخوان‌های صلح می‌بیند، افرادی که از یهودیان متفرند در پشت افرادی که از آرمان عادلانه کشور فلسطین حمایت می‌کنند، پنهان شده‌اند".

این یک نسخه حقوقی و رمزگذاری‌شده از "لندنستان" راست نژادپرست است - تصرف فرضی پایتخت انگلیس توسط مسلمانان - حتی از سوی مشاوران دولت - مبنی بر اینکه راهپیمایی‌های هفتگی در همبستگی با رنج غزه در حال تبدیل شهرهای بریتانیا به "مناطق ممنوعه" برای یهودیان می‌باشد.

سخنان استارمر - چه آگاهانه یا نه - به ادعای واهی جناح راست نژادپرست مبنی بر "پلیس دولایه" که در آن گویا پلیس ظاهر را آنقدر می ترسد که جامعه مسلمان را درگیر کند که راست افراطی باید کار آنها را خود انجام دهد، جان بخشیده است.

واقعیت این "پلیس دومرحله‌ای" در ماه گذشته، زمانی که ویدیویی نشان داد که یک افسر پلیس پس از یک جنجال در فرودگاه منچستر بر سر یک مرد مسلمان بی‌تحرك و بی‌تفاوت ضربه می‌زند، بسیار قابل مشاهده بود. نشان داده شد که برادر این مرد در حالی که دستانش پشت سرش بود مورد آزار و اذیت قرار گرفته است و مادر بزرگ آنها نیز گزارش می‌دهد که بر سر او نیز چنین رفته است.

همانند محافظه‌کاران، حمایت بی‌دریغ استارمر از اسرائیل از ۷ اکتبر - و نظرات او در مورد اعتراضات علیه کشتار به عنوان تهدیدی برای جوامع یهودی - یک آزمون وفاداری ضمنی و اعلام‌نشده ایجاد کرده است. آزمونی که اکثر یهودیان بریتانیا را میهن‌پرست فرض کرده و همزمان نسبت به مسلمانان بریتانیا بدگمان می‌شود که باید ثابت کنند افراط‌گرا یا تروریست بالقوه نیستند.

به نظر می‌رسد هر دو طرف اصلی معتقد هستند که برای یهودیان بریتانیا خوب است که هم‌مذهبان خود در اسرائیل را در حالی که ارتش اسرائیل کودکان فلسطینی را در غزه بمباران کرده و آنها را از گرسنگی می‌کشد - و حتی امکان آن را داشته باشند که برخی به خاورمیانه رفته و مستقیماً در کشتار جاری شرکت کنند. حمایت کنند.

اما این دو حزب همچنین القاء می‌کنند که ممکن است مسلمانانی که همبستگی خود با هم‌مذهبی‌های خود در غزه را، که توسط اسرائیل قصابی می‌شوند، نشان می‌دهند یا با دهه‌ها اشغال و محاصره جنگ‌جویانه اسرائیل که بالاترین دادگاه جهان اعلام کرده غیرقانونی هستند مخالفت می‌کنند نسبت به بریتانیا بی‌وفا باشند.

به عبارت دیگر، استارمر به طور ضمنی منطقی را تایید کرده که اهتزاز پرچم فلسطین در تظاهرات را خطرناک دانسته و با ارزش‌های بریتانیا بیگانه ارزیابی

می‌کند. همزمان سلاحهای بریتانیایی برای ارتکاب قتل‌عام، برای کشتار غیرنظامیان ارسال می‌شوند.

## بازپس‌گیری خیابان‌ها

نشانه‌هایی وجود دارند که نشان می‌دهد فرصله‌گیری استارمر از بخش‌های بزرگی از جامعه مسلمان - با بیان "افراطی‌گری" آنها - ممکن است عمدی بوده و برای تحت تاثیر قرار دادن رای‌دهندگان جناح راست طراحی شده باشد.

یک "منبع ارشد حزب کارگر" به خبرنگاران گفته است که این حزب از استعفای ده‌ها عضو شورای کارگری به دلیل اظهارات استارمر در حمایت از اسرائیل که جمعیت غزه را گرسنه نگه داشته است، استقبال کرده است. این منبع گفته که این حزب "در حال تکان دادن کک‌ها" بوده است.

روایت مرتب‌تری توسط وفاداران استارمر ارائه شده که در انتخابات عمومی ماه گذشته از امکانات انتخاب مستقل‌های چپ‌گرا، از جمله کوربین، که در یک پلتفرم برای توقف کشتار غزه شرکت می‌کردند جلوگیری شده است.

"جاناتان اشورث"، که کرسی خود در لستر ساوت را به "شوکت آدام" در انتخابات سراسری ژوئیه از دست داد، حامیان رقیب مسلمان خود را متهم کرد که از هنجارهای دموکراتیک - از طریق آنچه اشورث آن را "سرطان"، "قلدری" و "ارعاب" نامید - پیروی نمی‌کنند. هیچ مدرکی برای ادعای او ارائه نشده است.

پرچم‌های فلسطین در چیزی که سیاستمداران و رسانه‌ها آن را "ضد تظاهرات" می‌نامند بسیار قابل مشاهده است - ضد فاشیست‌ها مانند چهارشنبه گذشته خیابان‌ها را از راست افراطی پس گرفتند.

جناح راست حزب کارگر، که مانند استارمر مشتاق محو چپ از سیاست بریتانیا است، اصرار داشت که ضدنژادپرستان در خانه بمانند تا به پلیس اجازه دهند با شورشیان نژادپرست برخورد کند. اما دقیقاً به این دلیل است که چپ ضدنژادپرست از طریق یک کمپین لکه‌دار دوحزبی - که این چپ را افراطی، یهودستیزانه، غیرانگلیسی و خائن نشان می‌دهد - مجبور به عقب‌نشینی شده و در این شرایط



جناح راست نژادپرست جسارت یافته نشان دهد چه کسی مسئول بروز حوادث جاری است.

استارمر اکنون مصمم است تا با استفاده از پلیس و دادگاه، آن جن را که به قدرت‌گیری او کمک کرد، با زوری وحشیانه به بطری بازگرداند.

با توجه به کمپین استارمر برای تهمت‌زدن به چپ‌ها و پاکسازی‌های اقتدارگرایانه در حزب کارگر، دلایلی برای این ترس وجود دارد که دولت جدید او بیش از پیش بتواند دستی سنگین را علیه به اصطلاح "ضد تظاهرات‌کنندگان"، هر چند صلح‌آمیز، به کار گیرد.

رهبر حزب کارگر معتقد است که او با تهمت‌زدن به چپ ضد نژادپرست، با راندن آن به سایه و با له کردن آن به قدرت رسیده است.

استارمر اکنون، به عنوان نخست وزیر، ممکن است تصمیم بگیرد که زمان اجرای همان برنامه در سراسر کشور فرا رسیده است.